

تأثیر روش کلاس درس باز مبتنی بر نظریه اگزستانسیالیسم بر عزت نفس دانش آموزان

افسانه احمدی^۱^۱ کارشناسی ارشد ادبیات و علوم انسانی، معلم استان ایلام، شهرستان مهران

چکیده

مقاله حاضر از نوع تحلیل کتابخانه ای است که با توجه به نظرات صاحب‌نظران این عرصه به رشته تحریر در آمده است. هدف از نگارش این مقاله بررسی تأثیر روش کلاس درس باز مبتنی بر نظریه اگزستانسیالیسم بر عزت نفس دانش آموزان است. نتیجه این مقاله نشان می‌دهد که روش کلاس درس باز بر عزت نفس دانش آموزان تأثیر مثبتی دارد و هرچه کلاس به صورت راحت تر و قابل انعطاف تر باشد به همان میزان عزت نفس دانش آموزان بیشتر خواهد بود. مشارکت فعال دانش آموزان در امر تدریس موجب افزایش حس اعتماد به نفس و جرأت ورزی در شاگردان می‌شود. آموزش مهارت‌ها در کلاس درس باز میزان برابری دانش آموزان را افزایش می‌دهد و به آن‌ها امکان می‌دهد تا بدون اضطراب احساسات و عقاید خود را به راحتی ابراز کنند.

واژه‌های کلیدی: کلاس درس باز، اگزستانسیالیسم، عزت نفس

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

هر جامعه ای از نهاد های مختلفی شکل گرفته است که هر کدام عهده دار رفع یکی از نیازهای اساسی آن است. نهاد تعلیم و تربیت عهده دار آموزش نیروی انسانی، تربیت افراد ماهر و در نهایت تضمین سلامت اخلاقی و تربیتی جامعه است. نهاد تعلیم و تربیت به مثابه ی قلب جامعه است؛ زیرا کارکرد صحیح سایر نهاد ها در گرو تربیت انسان های توانمند در تعلیم و تربیت است (حبیبی، ۱۳۹۴). در این میان روش های تدریس نقش ویژه ای دارد. روش های تدریس در امر یادگیری نقش کلیدی دارد و دادن دستورالعمل به دانش آموز مانند یک کشتی خالی که هر نوع اطلاعات را میتوان به آن انتقال داد کارساز نیست (نواز، حسین، عباس و جاوید، ۲۰۱۴). یادگیری فعال میتواند در مقابل یادگیری سنتی قرار گیرد. اصطلاح یادگیری فعال، طیف گسترده ای از استراتژی های یادگیری به منظور تشویق مشارکت فعال دانش آموزان، در امر یادگیری است. یادگیری فعال در رویکرد یادگیرنده محور می تواند باعث یادگیری معنی دار شود که در آن دانش آموزان به طور مؤثر به ساخت دانش جدید خود میپردازند (تونا، ۲۰۱۲). یکی از روش های فعال تدریس روش کلاس درس باز می باشد. این روش از دیدگاه اگزیستانسیالیسم نشأت گرفته است. محور توجه این مکتب، وجود انسان است که از نظر پیروان آن مهم ترین مسأله هستی است و هیچ چیزی سابق بر آن وجود ندارد. به عقیده پیروان این مکتب، انسان با تکیه بر اختیار و اراده آزاد خود و بدون نیاز به وجود خالق می تواند شخصیت و ماهیت خود را به ر گونه که بخواهد شکل دهد و تنها اوست که انتخاب می کند چه هنجارها و ارزش هایی باید در پیشبرد زندگی اش یاریگر او باشند (خیری، ۱۳۹۰).

بیان مساله

مشارکت فعال دانش آموزان در امر تدریس موجب افزایش حس اعتماد به نفس و جرأت ورزی در شاگردان میشود. آموزش مهارت ها در کلاس درس باز میزان برابری دانش آموزان را افزایش می دهد و به آن ها امکان می دهد تا بدون اضطراب احساسات و عقاید خود را به راحتی ابراز کنند. در وقت مناسب "نه" بگویند و بدون ضایع کردن حق دیگران در مقابل رفتار آنان واکنش نشان دهند در صورت نیاز ابراز عقیده کنند یا از عقیده مطرح شده دفاع کنند.

همچنین ویلسون، بوش و کیم (۲۰۱۷) دریافتند که موفقیت خواندن باعث افزایش عزت نفس و درک خواندن می شود. ویلیام جیمز پایه گذار روانشناسی غربی، عزت نفس را به عنوان یکی از ابعاد مهم سلامت روان معرفی می کند. سلامت روان جزء جدایی ناپذیر شخصیت بهنجار و سالم به شمار آمده و عزت نفس از مولفه های اصلی و مهم آن تلقی می شود (هو، ۲۰۱۷). عزت نفس که ارزیابی ارزشمندی خود است، به وسیله ی قضاوت و مقایسه شکل می گیرد (نف، ۲۰۱۱). به نظر اسمیت و کوپر (۱۹۶۷) احساس ارزشمندی از توانایی های خود، عزت نفس نامیده می شود. عزت نفس به چگونگی احساس فرد درباره ی ویژگی های مختلف خود مربوط است (کوشکی، سپاه منصور و نوشاد، ۲۰۰۹).

موفقیت در مهارت خواندن همچنین عزت نفس افراد را متأثر می کند. دانش آموزانی که در این حوزه مشکل دارند درازمدت خود را شکست خورده تصور میکنند و باعث ایجاد مشکلات هیجانی، اضطراب از مدرسه و استفاده از راهبرد محافظت از خود می شوند. با توجه به ترس از شکست، کودکان به طور عمدی، تمایل به اجتناب از موقعیات چالش برانگیز به وسیله کاهش تلاش و استفاده از رفتارهای خودناتوان کننده با هدف حفاظت از عزت نفس پیدا می کنند (سیگ حداد، ۲۰۰۴).

اگزستانسیالیسم

اگزستانسیالیسم که اغلب به اصالت بشر یا اصالت وجود ترجمه میشود، از جدیدترین مکاتب فلسفی معاصر است که اولین بار بطور مشخص در قرن ۱۹ توسط فیلسوف و اسقف دانمارکی سورن کییرکیگارد پا به عرصه وجود گذاشت. این مکتب بعدها توسط اندیشمندان دیگری همچون مارتین هایدگر، کارل یاسپرس، گابریل مارسل و ژان پل سارتر، رشد و پرورش بیشتری یافت و در عین حال انشعاباتی در آن پدید آمد و به دو شکل اگزستانسیالیسم مسیحی و اگزستانسیالیسم الحادی تقسیم شد. کییرکیگارد، یاسپرس و گابریل مارسل از گروه اول و سارتر و پیروان او از گروه دوم محسوب می شوند. تردیدی نیست که مکتب های فکری و اجتماعی، ریشه های عمیقی در فرهنگ و تمدن گذشته زادگاه خود دارند. لذا برای درک مفاهیم موجود در چنان مکتبی ناگزیر از مطالعه زمینه فرهنگی و اوضاع اجتماعی مقارن آنها هستیم (دفتر برنامه ریزی درسی، ۱۳۶۹). محور توجه این مکتب، وجود انسان است که از نظر پیروان آن مهم ترین مسأله هستی است و هیچ چیزی سابق بر آن وجود ندارد. به عقیده پیروان این مکتب، انسان با تکیه بر اختیار و اراده آزاد خود و بدون نیاز به وجود خالق می تواند شخصیت و ماهیت خود را بهر گونه که بخواهد شکل دهد و تنها اوست که انتخاب می کند چه هنجارها و ارزش هایی باید در پیشبرد زندگی اش یاریگر او باشند. این مکتب در فاصله سال های بین دو جنگ جهانی اول و دوم، نمود بیشتری پیدا کرد و از آنجایی که نگرانی ها و دردهای همگانی بشر را مورد توجه خود قرار می داد، در این سال های دلهره و اضطراب، تبدیل به ابزار مناسبی برای بیان این درد و رنج ها گشت (خیری، ۱۳۹۰).

اگزستانسیالیسم و آموزش و پرورش

این مکتب در قرن بیستم، به ویژه در خلال جنگ جهانی دوم و بعد از آن به اوج شهرت خود رسید. با این که ون کولومورس آموزش و پرورش اگزستانسیالیستی را به طور ویژه تعریف نمی کند ولی معتقد است که آموزش و پرورش باید در فرا گیرنده موجب "اشتداد آگاهی" گردد. این آگاهی بدان معنی است که دانش آموزان باید تشخیص دهند که در مقام فرد به طور پیگیر، آزادانه، مستقلانه و خلاقانه دست به انتخاب می زنند این آگاهی متضمن مسئولیت فرد در تعیین چگونگی زندگانی خود و نحوه ی آفرینش تشخیص فردی خویش است. هدف چنین آموزش و پرورشی عبارت است از بیدار کردن و شدت بخشیدن به خود آگاهی فرد. آموزش و پرورش اگزستانسیالیستی عناصری از تجربه را مورد توجه قرار می دهد که ذهنی، شخصی و عاطفی باشند و رویارو شدن انسان را با موقعیت هایی ترغیب می کند که او را به سوی این شناخت رهنمون باشند. که انتخاب های انسان مستلزم طرح پرسش شخصی درباره ی خیر و شر و درست و نادرست است.

آموزش و پرورش اگزستانسیالیستی آزادی انسان را به عنوان مهمترین وظیفه خود تلقی می کند. اهداف چنین آموزش و پرورشی را نه می توان از پیش تعیین کرد و نه معلم و نظام آموزشی می توانند آن را به دانش آموزان تحمیل کنند. مسئولیت آموزش و پرورش هر کسی به عهده ی خود اوست. به طور خلاصه، آموزش و پرورش اگزستانسیالیستی تلاش می کند که:

۱. توجه آگاهانه ای را درباره ی نهاد ها، نیرو ها و روندهایی که آزادی را محدود می کند ایجاد کند.

۲. آگاهی فرد را در خصوص آزادی برای انتخاب شدت بخشد.

۳. این حس را پرورش دهد که هر انسانی مسئول هویت فردی خود و اقدام برای تحقق "من" در حال تکمیل خویش است.

۴. بین انتخاب های با معنی و پیاftاده تمایز قائل شود (گوتک، ۱۹۳۵؛ ترجمه محمد باقر پاک سرشت، ۱۳۸۰).

تدریس و یادگیری اگزستانالیستی

اگرچه مربی اگزستانالیست ممکن است روش های تربیتی متنوعی را برای کار خود برگزیند، نباید اجازه داده شود که هیچ کدام از این روشهای رابطه «من و تو» را که باید بین معلم و شاگرد وجود داشته باشد، مخدوش سازد. محاوره سقراطی روش مناسبی برای معلمان اگزستانالیست است گفت و شنود میتواند سؤالاتی را برای متعلمان مطرح کند تا آنان نسبت به شرایط زندگی خویش آگاهی حاصل کند. در امتداد از روش گفت و شنود معلم اگزستانالیست، برخلاف مربی ایدئالیست، پاسخ سؤالات مطرح شده را نمیداند، در حقیقت بهترین نوع سؤال فقط در معنی آفرینی خود دانش آموز قابل پاسخ است. در روش شناسی اگزستانالیستی معلم تلاش می کند که متعلم را ترغیب کند تا از طریق طرح سؤالاتی در خصوص معنای زندگی به حقیقتی شخصی دست یابد و این راه موجبات «اشتداد آگاهی» او را فراهم سازد. وظیفه معلم آن است که برای یادگیری موقعیتی فراهم کند که طی آن شاگردان بتوانند ذهنیت خویش را ابراز کنند. تنها متعلم است که می تواند با مسئولیت خویش برای نیل به هویت فردی رو در رو گردد. معلم و متعلم به یک اندازه در ایجاد «اشتداد آگاهی» مسئولیت دارند. این گونه آگاهی مستلزم این احساس است که فرد باید شخصاً با وجوه اخلاقی و زیبایی شناختی وجود درگیر شود (گوتک، ۱۹۳۵، ترجمه محمد باقر پاک سرشت، ۱۳۸۰). اگزستانالیسم ها بر اساس دیدگاه های خود در مورد تعلیم و تربیت روش کلاس درس باز را که از زیر مجموعه های روش های فعال تدریس می باشد، در مورد روش تدریس مناسب پیشنهاد می دهند.

روش فعال تدریس

امروزه زیاد صحبت کردن معلم به عنوان یک سنت درآمده است. زیرا خود او نیز زمانی به عنوان دانش آموز شنونده صحبت های بیش از حد معلمان خود بوده است. معلمی که با روش سخنرانی بر کلاسش حکم روایی میکند به دانش آموزان اجازه فعالیت ذهنی و انتخاب را نمیدهد. آموزش و پرورش یک فرایند سیستماتیک است و به طور عمده تمرکز آن بر آموزش و همچنین یادگیری است. روش های تدریس در امر یادگیری نقش کلیدی دارد و دادن دستورالعمل به دانش آموز مانند یک کشتی خالی که هر نوع اطلاعات را میتوان به آن انتقال داد کارساز نیست (نواز، حسین، عباس و جاوید، ۲۰۱۴). یادگیری فعال می تواند در مقابل یادگیری سنتی قرار گیرد. اصطلاح یادگیری فعال، طیف گسترده ای از استراتژی های یادگیری به منظور تشویق مشارکت فعال دانش آموزان، در امر یادگیری است. یادگیری فعال در رویکرد یادگیرنده محور می تواند باعث یادگیری معنی دار شود که در آن دانش آموزان به طور مؤثر به ساخت دانش جدید خود میپردازند (تونا، ۲۰۱۲). انگیزه یادگیری فعال؛ به هرگونه فرآیندی گفته میشود که به خودی خود از سوی فراگیر، فعالانه و برای حفظ رفتار یادگیری اعمال میشود (هانگ، راج و لیو، ۲۰۱۲). سرزو معتقد است که یادگیری فعال و مشارکت فعال دانش آموزان در درس ریاضی در حل مشکل و افزایش یادگیری ریاضیات مؤثر است. بعضی معتقدند مشارکت فعال در امر یادگیری سبب تعامل دو سوپه معلم و دانش آموز و

همچنین، ایجاد انگیزه پیشرفت تحصیلی و تنوع آموزشی میشود. زیرا فقدان انگیزه و انعکاس آن، توانایی یادگیری فعال را تحت تأثیر قرار میدهد (روتگنز و اسمیت، ۲۰۱۱).

تعریف کلاس درس باز

هس و اوروی (۲۰۰۸) بیان می کنند که کلاس درس باز دارای اخلاق دموکراتیک است. جایی که دانش آموزان در آن احساس راحتی می کنند و در آن مشغول بحث و گفتو هستند. در این کلاس معلمان فضایی را ایجاد می کنند که در آن دانش آموزان موضوعات مربوطه را مطرح می کنند، نظرات خود را بیان می کنند و دیدگاه های متنوعی را بررسی می کنند. جان هولت، یکی از طرفداران آزادی کودکان و «آموزش و پرورش باز» نسبت به دیدگاه تربیتی اگزستانسیالیستی رویکردی عملی در محیط مدرسه دارد. نظریه های تربیتی هولت از تجارب او در نقش آموزگار دبستان نشئت گرفت او که از قیود ساختارها و دیوان سالاری های مدارس سنتی ناراضی بود، از آن گونه اصلاحات تربیتی حمایت می کرد که آزادی یادگیری را برای کودک تأمین کند. هولت در آزادی و فراسوی آن به دفاع از یادگیری باز پرداخت. طبق عقیده هولت، بچه ها «باهوش، پر جنب و جوش، کنجکاو، مشتاق یادگیری و مستعد آن اند» و برخلاف شیوه معمول مدارس سنتی، نیازی نیست که با اغفال، لطائف الحیل با زور وادار به یادگیری شوند. تحمیل های مداوم و غیر ضروری، فرصتهای انتخاب آزاد را که برای رشد هوشمندانه و انسانی ضرورت دارند، محدود میکنند. هولت مانند مربیان اگزستانسیالیست میخواست در متعلمان ایجاد آگاهی کند تا خود را مسئول انتخاب های خویش بدانند، او برای یادگیری، کلاس درس باز را به عنوان محیطی که امکانات فراوانی را برای انتخاب ایجاد میکند، پیشنهاد مینماید، به طوری که بچه ها از راه پیگیری علائقتشان به یادگیری نایل آیند بی آنکه از جانب معلم یا مدرسه تحت فشار قرار گیرند.

آموزش و پرورش باز و غیر رسمی

مدارس، مانند سایر نهادها، قانون مدار و بوروکراتیک هستند با اینکه هنجارها در خدمت افرادند ولی با گروه هماهنگی دارند. مدارس که اصولاً سن محورند. قطع نظر از پارهای استثناها، کلاسهای کودکان و نوجوانان را در گروههای سنی خاص در راستای مدارج سازمان [مدرسه] ارتقا میدهند به دلیل وجود این الگوهای نهادی و سازمانی، ایجاد امکانات یادگیری اگزستانسیالیستی در صحنه مدرسه دشوار است گرچه غیرممکن نیست. به دلیل قید و بندهای موجود در مؤسسات آموزشی و پرورش رسمی، بعضی از مربیان توجه خود را به آموزش و پرورش غیررسمی و عاری از تشریفات خارج از مدرسه معطوف داشتهاند. مثلاً ایوان ایلچ آموزش رسمی را فرایند نهادینه شدهای تعریف کرده است که:

۱. کودکان و نوجوانان را در مؤسسات خاصی محصور می کند.
۲. حضور اجباری و تمام وقت آنان را در این مؤسسات ضروری میداند.
۳. آنان را تحت قیومت معلمان قرار میدهد.
۴. مقرر میدارد که برنامههای فرمایشی و اجباری را به اتمام برساند.

ویژگی های کلاس درس باز

گو کی، زی گیانگ و یا (۲۰۱۶) بیان می کند در کلاس درس باز آموزشی، محتویات تدریس می تواند از طیف وسیعی از مواد آموزشی و حتی موضوعاتی در زمینه به چالش کشیدن فرضیه های ثابت شده باشد که می تواند افق دید دانش آموزان را گسترش دهد و آموزش های کافی را انجام دهد. در عین حال، مکان های تدریس دیگر در کلاس درس محدود نیستند و می توانند به کلاس دیگر یا اینترنت گسترش پیدا کنند. به عنوان مثال، استفاده از محیط باز اینترنت و منابع کتابخانه ها برای تحقق بخشیدن به محتوای آموزشی، دانش آموزان را برای پرورش و پرس و جو به طور گسترده ای در دانش مربوطه فعال کرده و کمک می کنند تا محتویات آموزشی مورد نظر خود را انتخاب کنند.

معلم باید سعی کند موقعیت ها را ایجاد کند، علاقه های یادگیری دانش آموزان را القا کند، فعالیت های عملی دانش آموزان هدایت کند، دانش آموزان در موقعیت های خاص سوالات را مطرح کنند و سوالات را با اکتشاف مستقل حل کنند معلم همچنین باید دانش آموزان را سازماندهی کند که به طور گسترده با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و یاد بگیرند که در کاوش ها همکاری و نوآوری کنند تا دانش آموزان بتوانند از آنچه که به زندگی واقعی می آموزند برای حل مسأله واقعی استفاده کنند و درک درستی از جهان داشته باشند (دید و همکاران، ۲۰۱۴).

عزت نفس

بیابانگرد (۱۳۸۷) بیان میکند داشتن عزت نفس سالم یکی از نیازهای اساسی انسان است و چیزی است که ما پیوسته برای رسیدن به آن تلاش میکنیم. سیف (۱۳۶۸) در تعریف عزت نفس چنین آورده است « نیاز به احترام به خود، به عبارت دیگر عزت نفس عبارت است از نیاز به کسب موفقیت و تأیید یا نیاز به ایجاد تصور مثبت درباره خود و دیگران و اینکه دیگران او را فردی قابل احترام بدانند».

ویلیام جیمز عزت نفس را تابع کسری از موفقیت ها بر انتظارات خود می داند، به طوری که هر چه موفقیت های شخص بیشتر از انتظاراتش باشد، عزت نفس او نیز بیشتر خواهد بود و در صورتی که عکس آن صادق باشد، عزت نفس کمتری خواهد داشت (اسلامی نسب، ۱۳۷۳).

اسلامی نسب (۱۳۷۳) عزت نفس را درکی می داند که فرد از خودش دارد و این درک، با قضاوت های ارزشی همراه بوده و میزانی از خویشتن پذیری و حرمت نفس را در بر میگیرد. او قضاوت های ارزشی فرد را همیشه مثبت نمی داند. عزت نفس عبارت است از ارزشی که اطلاعات و اعتقادات خود فرد در مورد تمام یا چیزهایی که از او ناشی میشود به دست می دهد (شاملو، ۱۳۸۷).

ویژگی های افراد دارای عزت نفس

عزت نفس در ما و دیگران به شکل های متفاوتی ظاهر می شود اما به طور کلی عزت نفس را می توان در حالت چهره، رفتار، صحبت و حرکت اشخاص مشاهده کرد. برخورد باز و گشوده با انتقادها و راحتی در پذیرش اشتباهات نمونه هایی از شکل عزت نفس است. کلام و حرکات شخص دارای عزت نفس از کیفیت راحت برخوردار است. به عبارت دیگر طرز کلام و حرکات شخص دارای عزت نفس از کیفیت راحت برخوردار است. به عبارت دیگر طرز کلام و حرکات شخص نشان می دهد که او در

جنگ با خویشتن نیست و با دیگران نیز جنگی ندارد . هماهنگی میان آنچه شخص می گوید و انجام می دهد یعنی از خود پنهان نمی شود و با خود در جنگ و ستیز نیست . دروغ . ریاکاری و پنهان کاری در افراد دارای عزت نفس سالم وجود ندارد (بیابانگرد، ۱۳۸۷).

عزت نفس و فرهنگ

نیروهای فرهنگی تأثیر عمیقی بر عزت نفس دارند . برای مثال تأکید خیلی زیاد بر مقایسه اجتماعی در مدرسه می تواند توضیح دهد که چرا کودکان ژاپنی به رغم پیشرفت تحصیلی بیشتر، در عزت نفس نمره کمتر از کودکان امریکایی کسب می کنند. در مدارس آسیایی، در مقایسه، جدی و معیارها بالا هستند . در عین حال، کودکان آسیایی برای افزایش عزت نفس شان کمتر به مقایسه اجتماعی می پردازند و چون فرهنگ آنها برای فروتنی و هماهنگی اجتماعی ارزش قایل است، از این که خود را به صورت مثبت ببینند، خودداری می کنند؛ ولی دیگران را سخاوتمندانه تحسین می کنند (مارشال ریو، ۲۰۰۵، ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۶).

عزت نفس و روش های فرزند پروری

کودکانی که والدین آنها از روش های تربیت مقتدرانه استفاده می کنند، در مورد خود احساس خوبس دارند، تربیت محبت امیز و مثبت به کودکان این امکان را می دهد که بدانند که به عنوان فردی ارزشمند و شایسته مورد قبول هستند و انتظارات جدی اما مناسب که با توضیحات همراه باشند، به کودکان کمک می کند تا رفتار های خویش را در برابر معیار های معقول، ارزیابی کنند . والدین کنترل کننده احساس بی کفایتی را به فرزندان منتقل می کنند که با عزت نفس پایین ارتباط دارد . در مقابل والدینی که بیش از حد اغماض می کنند، باعث میشوند که فرزندان آنها عزت نفسی داشته باشند که به طرز نامعقولی بالاست و در عین حال رشد آنان را تحلیل می برند. این کودکان مشکلات سازگاری، از جمله پرخاشگری دارند (برک، ۲۰۰۷؛ ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۶).

نظریه های عزت نفس

نظریه کوپر اسمیت

کوپر اسمیت عزت نفس را یک ارزشیابی فردی می داند که معمولاً با توجه به خویشتن حفظ می شود. کوپر اسمیت چهار عامل اسنادی را برای رشد عزت نفس بیان می کند . نخستین آن و مقدم بر تمام عوامل، میزان احترام، پذیرش و علاقه مندی که یک فرد دریافت می کند . دومین عامل تجارب موفقیت هایمان در زندگی و سومین عامل ارزشها و انتظاراتی است که بر مبنای آن تجارب را مورد تفسیر قرار میدهیم و چهارمین عامل نحوه پاسخ فرد به از دست دادن ارزش می باشد (پروین، ۲۰۰۰، ترجمه جوادی و کدیور، ۱۳۹۵).

نظریه مازلو مازلو در سلسله مراتب نیازها و در سطح سوم ، احترام به خود یا عزت نفس را قرار می دهد که مشتمل بر تمایل شایستگی، چیرگی، پیشرفت ، توانمندی، کفایت، اطمینان، استقلال و آزادی است . زمانی که این نیازها ارضا شود، فرد احساس ارزشمندی، توانایی، قابلیت مثرتر بودن و اطمینان می کند و چنانچه این نیازها برآورده نشود، فرد احساس حقارت ، درماندگی ، ضعف و دلسردی و ناامیدی می کند (مازلو، ۲۰۰۰).

نظریه راجرز

راجرز، عزت نفس را ارزیابی مداوم شخص از ارزشمندی خویشتن خود و یا نوعی قضاوت نسبت به ارزشمندی وجودی خود تعریف کرده است. او معتقد است این صفت در انسان حالت عمومی دارد و محدود و زود گذر نیست. بر طبق نظر راجرز، عزت نفس در اثر نیاز به توجه مثبت دیگران به وجود می آید. نیاز به توجه مثبت دیگران، شامل بازخوردها، طرز برخورد گرم و محبت آمیز، صمیمیت، پذیرش و مهربانی از طرف محیط به خصوص اولیاء کودک است (شاملو، ۱۳۹۰)

نظریه ویلیام جیمز

در بررسی عزت نفس، اولین کار توسط ویلیام جیمز انجام شده است. او معتقد بود که تصور فرد از خود در حین تعاملات اجتماعی، یعنی از زمانی که متولد شده و مورد شناسایی دیگران قرار می گیرد، شکل می گیرد.

نتیجه گیری

بنابر مواردی که بیان شد روش کلاس درس باز بر عزت نفس دانش آموزان تاثیر مثبتی دارد و هرچه کلاس به صورت راحت تر و قابل انعطاف تر باشد به همان میزان عزت نفس دانش آموزان بیشتر خواهد بود. مشارکت فعال دانش آموزان در امر تدریس موجب افزایش حس اعتماد به نفس و جرأت ورزی در شاگردان میشود. آموزش مهارت ها در کلاس درس باز میزان برابری دانش آموزان را افزایش می دهد و به آن ها امکان می دهد تا بدون اضطراب احساسات و عقاید خود را به راحتی ابراز کنند. در وقت مناسب "نه" بگویند و بدون ضایع کردن حق دیگران در مقابل رفتار آنان واکنش نشان دهند در صورت نیاز ابراز عقیده کنند یا از عقیده مطرح شده دفاع کنند.

شرفی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان تأثیر عزت نفس و ویژگی های فردی بر پیشرفت تحصیلی بر روی تن از دانشجویان روزانه و شبانه ی مقطع کارشناسی دریافتند که جنس، عزت نفس خانوادگی، عزت نفس اجتماعی، رشته تحصیلی و عزت نفس تحصیلی بر پیشرفت تحصیلی موثر بودند.

غباری بناب و حجازی (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان رابطه جرئت ورزی و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان تیزهوش و عادی نشان دادند که دانش آموزان تیزهوش در هر سه متغیر جرئتورزی، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی بر دانش آموزان عادی برتری داشتند، اما تفاوتی بین متغیرهای فوق در دو جنس ملاحظه نشد. از سوی دیگر هر سه متغیر جرأت ورزی، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان عادی دارای رابطه معنادار بودند، اما در دانش آموزان تیزهوش تنها بین دو متغیر جرأت ورزی و عزت نفس رابطه وجود داشت. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که جرأت ورزی و عزت نفس، توانایی پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان عادی را داشتند.

غباری بناب، پیرزادی و بخشی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان تأثیر آموزش راهبردهای فراشناختی مسأله مدارانه و خودنظارتی بر دانش فراشناختی و عزت نفس دانش آموزان مبتلا به یادگیری پایه پنجم دریافتند که آموزش راهبردهای فراشناختی و کارت های خودنظارتی بر آگاهی فراشناختی دانش آموزان مبتلا به مشکلات خواندن تأثیر مثبت و معنادار دارد.

ناولز و کافری رایت (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان ارتباط کلاس درس باز با جنبش اجتماعی شهروندان بیان می کنند که کلاس درس باز نقش خاصی در توسعه دانش دانش آموزان و کارآمدی آنها در یک شهرند فعال شدن دارد.

کلاورن (۲۰۱۰) در پژوهشی به مقایسه کلاس های پویا و باز با کلاس های سنتی پرداختند. نتایج نشان داد که کلاس های باز و پویا برای رشد شرایط پژوهش، کنجکاوی، دستکاری، خودفرمانی و یادگیری مناسب است. اما کلاس های سنتی در امتحان گرفتن، درجه بندی، تدریس مقتدرانه با سختگیری دنبال میشد و تغییر کمی در برنامه آموزشی خود ایجاد می کردند.

منابع

- اسلامی نسب، علی. (۱۳۷۳). روانشناسی سازگاری، تهران، انتشارات بنیاد.
- برک، لورا (۲۰۰۷). روان شناسی رشد، ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۹۶)، تهران، انتشارات ارسباران
- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۸۷). مقایسه اثربخشی شناخت درمانی، خودآموزش دهی و حساسیت زدایی منظم در کاهش اضطراب امتحان. پایان نامه دکتری دانشگاه علامه طباطبایی.
- پروین، لارنس، ا؛ جان، الیور، بی. (۲۰۰۰). روانشناسی شخصیت نظریه و پژوهش. ترجمه: محمدجعفر جوادی و پروین کدیور (۱۳۹۵). تهران: نشر آبیژ.
- حبیبی، رضا. (۱۳۹۴). مبانی تعلیم و تربیت از دیدگاه آیه الله آملی، مجله حکمت الاسراء، شماره ۳، ۹۷-۹۳.
- خیری، مهدیه. (۱۳۹۰). آثار و مبانی فلسفه اگزیستانسیالیسم در آثار نجیب محفوظ با تکیه بر رمان اولاد حارتنا پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- دفتر تحقیقات و برنامه ریزی درسی. (۱۳۶۹). آشنایی با مکاتب و اصطلاحات (عقیدتی و سیاسی)، انتشارات آموزش و پرورش.
- سیف، دکتر علی اکبر. (۱۳۸۶). روان شناسی پرورشی (روان شناسی یادگیری و آموزش ویرایش سوم) انتشارات آگاه، تهران.
- شاملو، سعید. (۱۳۸۷). روانشناسی بالینی، تهران، انتشارات رشد
- شاملو، سعید. (۱۳۹۰). آسیب شناسی روانی، انتشارات رشد.
- شرفی، لیلا، تقی بیگی، معصومه، و علی بیگی، امیرحسین. (۱۳۹۴). تأثیر عزت نفس و ویژگی های فردی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان کشاورزی دانشگاه رازی. فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی.
- غباری بناب، باقر، افروز، غلامعلی، حسن زاده، سعید، بخشی، جعفر، پیرزادی، حجت. (۱۳۹۱). تأثیر آموزش راهبردهای فراشناختی فعال تفکرمدارانه و خود نظارتی بر درک مطلب دانش آموزان با مشکلات خواندن. ناتوانی های یادگیری. شماره ۹۷، ۱-۷۷.

غباری بناب، باقر، پیرزادی، حجت، بخشی، جعفر. (۱۳۹۵). تأثیر آموزش راهبردهای فراشناختی مسأله مدارانه و خود نظارتی بر دانش فرا شناختی و عزت نفس دانش آموزان مبتلا به مشکلات یادگیری دانش آموزان بر پایه ی پنجم، نشریه پژوهش های نوین روان شناختی . شماره ۴۲، ۱۱۳-۱۳۱.

گوتک، جرالدا. (۲۰۰۵). مکاتب فلسفی و آراء تربیتی ترجمه ی محمد جعفر پاک سرشت، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه ی علوم انسانی (۱۳۸۰).

Deed, C., Cox, P., Dorman, J, Edwards, D., Farrelly, C., Keeffe, M., Lovejoy, V., Lucy Mow, Peter Sellings, Vaughan Prain, Bruce Waldrip & Zali Yager (2014) Personalised learning in the open classroom: The mutuality of teacher and student agency, *International Journal of Pedagogies and Learning*, 9:1, 66-75.

Guo-qi, NI., Zhi-qiang, Y., & Yun, HE. (2016). The Establishment Of The Open Teaching Classroom. Eighth International Conference on Measuring Technology and Mechatronics Automation.

Hannah, Ryan . (2013). The Effect of Classroom Environment on Student Learning. Honors Thesis . Thesis Chair: Dr. Dini Metro-Roland .

Hess, D., & Avery, P. G. (2008). Discussion of controversial issues as a form and goal of democratic education. In J. Arthur, I. Davies, & C. L. Hahn (Eds.), *Sage handbook of education for citizenship and democracy* (pp. 506-518). London: SAGE Publications

Ho, H. C. (2017). Elderly volunteering and psychological well-being. *International Social Work*, 60(۴), ۱۰۲۸-۱۰۳۸.

Klaveren, C.V. (2010). Lec turing style teching and students performance . *Economics of education review*, 12, 76-67.

Kooshki, S., Sepah Mansour, M., & Noshad, M. (2009). Relationship between self-esteem and job burnout in special and regular school teachers' professional skills. *Psychological Researches Journal*, 1(۲), ۳۳-۴۸.

Maslow A.H. (2000). Self-Actualization and Beyond in C.F.T. challenges of Humanistic psychology. *New York. Mc Grow press*

Nawaz, Q., Hussain, L., Abbas, A., & Javed, M. (2014). Effect of cooperative learning on the academic and self concept of the students at elementary school level. *Gomal University Journal of Research*, 30(1): 127-135.

Neff, K. D. (2011). Self-compassion, Self-esteem, and well-being. *Social and personality psychology compass*, 5, 1-12.

Neff, K. D. (2011). Self-compassion, Self-esteem, and well-being. *Social and personality psychology compass*, 5, 1-12.

Rotgans, J. I., & Schmidt, H. G. (2011). The role of teachers in facilitating situational interest in an active-learning classroom. *Teaching and Teacher Education*, 27, 37-72.

Tuna, F. (2012a). Student's perspectives on active learning in geography: A case study of level of interest and usage in Turkey. *European Journal of Educational studies*, 4(۲), ۱۶۳-۱۷۵.

Wilson.Rauden bush,Kim. (2017).The effects of making reading inferences goals
north American journal of psychology „self-esteem and toEIC reading comprehension
no.1.41-50..vol.19

